



درامواج سند

درس سوم



قالب شعر:

۱ به مغرب، سینمالان قرص خورشید
فرو می ریخت گردی زعفران رنگ

ز هر سو بر سواری غلت می خورد
به زیر باره می نالید از درد

۵ نغان می گشت روی روشن روز
در آن تاریک شب می گشت پنهان

به خواب شفق در دامن شام
در آن دریای خون، در قرص خورشید

نغان می گشت پشت کوهساران
به روی نیزه ها و نیزه داران

تن سنگین اسی تیر خورده
سوار زخم دار نیم مرده

به زیر دامن شب در سیاهی
فروغ حسره خوارزمشاهی

به خون آلوده، ایران کهن دید
غروب آفتاب خویشتن دید

چه اندیشید آن دم، کس ندانست
۱۰ چو آتش در سپاه دشمن افتاد

که مژگانش به خون دیده تر شد
ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

در آن باران تیسر و برق پولاد
در آن دریای خون، در دشت تاریک

میان شام رستاخیز می‌گشت
به دنبال سر چنگیز می‌گشت

بدان شمشیر تیز عافیت سوز
ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت

در آن انبوه، کار مرگ می‌کرد
دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

۱۵ میان موج می‌رقصید در آب
به رود سند می‌غلتید بر هم

به رقص مرگ، اخترهای انبوه
ز امواج گران، کوه از پی کوه

خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود
از این سد روان، در دیده شاه

ز رخارش فرومی‌ریخت اشکی
۲۰ در آن سیماب‌گون امواج لرزان

دل شب می‌دید و پیش می‌رفت
ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت
بنای زندگی بر آب می‌دید
خیال تازه‌ای در خواب می‌دید:

به یاری خواهم از آن سوی دریا
دمار از جان این غولان کشم سخت

سوارانی زره‌پوش و کمان‌گیر
بوزم خانان‌هاشان به شمشیر

شب‌ی آمد که می‌باید فدا کرد
به پیش دشمنان استاد و جنگید

به راه مملکت، فرزند و زن را
رحاند از بند اهریمن، وطن را

۲۵ شبی را تا شبی با لشکری خرد
چو لشکر گردد بر گردش گرفتند

ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند
چو کشتی، بادپا در رود افکند!

چو بگذشت، از پس آن جنگ و شوار
به فرزندان و یاران گفت چنگیز

از آن دریای بی پایاب، آسان
که گر فرزند باید، باید این سان!

به پاس هر و جب خاکی از این ملک
۳۰ ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک

چه بسیار است، آن سرها که رفته!
خدا داند چه افسرها که رفته!

محتوای درس:

معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

سینه مالان: سینه‌خیز	کهن: قدیمی، باستانی	استاد: ایستاد
قرص: هر چیز گرد، آنچه دارای شکلی کمابیش شبیه دایره است.	دیده: (به خون دیده، تر کرد): چشم	اهریمن: شیطان
کوهساران: کوه‌ها	پولاد: فولاد	شبی را تا شبی: یک شبانه‌روز
زعفران: نوعی گیاهی زردرنگ (زعفران‌رنگ: زردرنگ)	رستاخیز: قیامت	خُرد: اندک، کوچک
نیزه‌داران: جنگجویان	عافیت: تندرستی (عافیت‌سوز: نابود کننده سلامتی)	خُود: کلاه جنگی
باره: اسب	انبوه: بسیار، فراوان، زیاد	بادپا: تندرو، در این جا به معنی اسب است.
فروغ: روشنایی، پرتو	اختر: ستاره	بی‌پایاب: عمیق، گود (پایاب: بخش کم‌عمق آب)
خرگه: خرگاه، خیمه به ویژه خیمه بزرگ	گران: سنگین، عظیم	این سان: این گونه، این طور، این چنین
خوارزمشاهی: سلسله خوارزمشاهیان، سلسله‌ای معروف از سلاطین مسلمان خوارزم که از سال ۴۷۰ هـ ق تا حدود ۶۲۸ هـ ق در مملکت بعضی از بلاد ایران حکومت داشتند.	خروشان: خروشنده، در حال خروشدن	پاس: نگهبانی، پاسداری
خوناب: خونابه، خون آمیخته با اشک	ژرف: عمیق، گود	مُلک: سرزمین، مملکت، پادشاهی
شَفَق: سرخی کرانه (= افق) پس از غروب آفتاب، متضادِ فَلَاق که سرخی آسمان، هنگام طلوع آفتاب است.	روان: جاری، رونده	افسر: تاج و کلاه پادشاهان
	رُخسار: چهره	
	سیماب‌گون: به رنگ جیوه، جیوه‌ای	
	سیماب: جیوه	
	دریا: در متن رود بزرگ مانند دریای نیل	
	دمار از کسی کشیدن: دمار از کسی برآوردن، کنایه از نابود کردن کسی	

به مغرب، سینه‌مالان قرص خورشید نهان می‌گشت پشت کوهساران

معنی: به هنگام غروب، خورشید به آرامی در پشت کوه‌ها پنهان می‌شد.

تفروزی: می‌گشت ← فعل اسنادی و نهان، مسند است. / پشت کوهساران ← قید مکان / سینه‌مالان ← قید حالت

فرومی ریخت گردی زعفران رنگ به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران

معنی: [خورشید] نور زرد و کم‌رنگ خود را بر روی نیزه‌ها و جنگجویان می‌تاباند.

قلمرو زبانی: گردی زعفران رنگ ← ترکیب وصفی / زعفران رنگ ← صفت مرکب

مفهوم بیت ۱ و ۲: ← غروب خورشید

توجه: شاعر با بیان بیت‌های ۱ و ۲، تصویر زیبا و دلپذیری را به وجود آورده است که با مفهوم شعر، تناسب دارد. غروب خورشید، غروب حکومت خوارزمشاهیان را به خاطر می‌آورد.

ز هر سو بر سواری غلت می خورد تن سنگین اسبی تیر خورده

معنی: پیکر (= تن) سنگین اسبی تیرخورده از هر طرف بر روی سواری (= سربازی) می غلتید.

قلمرو زبانی: هر سو ← ترکیب وصفی (= هر ← صفت مبهم) / تن سنگین ← ترکیب وصفی (= سنگین ← صفت نسبی) / اسبی تیرخورده ← ترکیب وصفی (= تیرخورده ← صفت مفعولی)

به زیر باره می‌نالید از درد سوار زخم‌دار نیم‌مرده

معنی: سوار (= سرباز) زخمی و نیمه‌جان از دردِ شدید، در زیر اسب، می‌نالید.

قلمرو زبانی: می‌نالید ← ماضی استمراری / سوار زخم‌دار ← ترکیب وصفی (= زخم‌دار ← صفت فاعلی (= زخم‌دارنده)) / سوار نیم‌مرده ← ترکیب وصفی (= نیم‌مرده ← صفت مفعولی) / سوار زخم‌دار نیم‌مرده ← گروه نهادی
مفهوم بیت‌های ۴۰۳ ← بیانگر شدت جنگ و کُشتار

نخان می‌گشت روی روشن روز به زیر دامن شب در سیاهی

معنی: چهره روشن روز، در تاریکی شب، پنهان می‌شد.

قلمرو زبانی: روی روشن ← ترکیب وصفی

مفهوم: ← فرا رسیدن شب

در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خزرگه خوارزمشاهی

معنی: همزمان با غروب آفتاب و تاریکی شب، شکوه حکومت خوارزمشاهیان هم در حال غروب و نابودی بود.

قلمرو زبانی: تاریک شب ← ترکیب وصفی مقلوب (= شب تاریک) / پنهان ← مُسند / فروغ خزرگه خوارزمشاهی ← گروه نهادی

منهوم ← نابود شدن قدرت و شکوه حکومت خوارزمشاهیان

به خوناب شفق در دامن شام به خون آلوده، ایران کهن دید

معنی: [سلطان جلال‌الدین] با دیدن غروب آفتاب، ایران کهنسال را غرق در خون دید.

مفهوم ← از بین رفتن ایران

در آن دریای خون، در قرص خورشید غروب آفتاب خویشتن دید

معنی: در سرخی غروب خورشید، پایان عمر خود و سلطنتش را می‌دید. (= پادشاهی خود را در حال نابودی می‌دید).

تلموزبانی: آن دریا ← ترکیب وصفی / غروب آفتاب خویشتن ← گروه مفعولی (= غروب ← هسته و آفتاب و خویشتن ← وابسته پسین)

مفهوم ← نابودی و به پایان رسیدن حکومت و زندگی

چه اندیشید آن دم، کس ندانست
که مژگانش به خون دیده تر شد

معنی: هیچ کس نمی دانست که [سلطان جلال الدین] در آن لحظه به چه چیزی فکر می کرد که چشم هایش از اشک، خیس شد.

مفهوم ← نگرانی سلطان جلال الدین برای آینده سرزمینش (= ایران)

چو آتش در سپاه دشمن افتاد ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

معنی: در این هنگام، [جلال‌الدین] همانند آتش به سپاه مغول حمله کرد حتی ویرانگرتر و سوزنده‌تر از آتش، دشمن را نابود می‌کرد.

قلمرو زبانی: سوزنده‌تر ← (= سوز + نده + تر) نقش مُسندی

مفهوم: ← دلاوری جلال‌الدین برای نابودی مغولان

در آن باران تیر و برق پولاد میان شام رستاخیز می‌گشت

معنی: [جلال‌الدین] در آن جنگ شدید که تیرها مثل باران می‌بارید و شمشیرها می‌درخشید و در آن هنگامه میدان نبرد که مانند قیامت بود می‌جنگید.

تفروزیابی: می‌گشت به معنی «می‌چرخید» فعل غیراسنادی

مفهوم ← دلاوری و از خودگذشتگی جلال‌الدین در برابر مغولان

در آن دریای خون، در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می‌گشت

معنی: [جلال‌الدین] در میدانِ جنگ (= نبرد) که مانند دریایی پر از خون شده بود به دنبالِ چنگیز بود تا او را بکشد. (= نابود کند)

قلمرو زبانی: «می‌گشت» به معنی «می‌چرخید» ← فعل غیراسنادی

مفهوم: ← دلاوری و شجاعت جلال‌الدین

بدان شمشیر تیز عافیت سوز در آن انبوه، کار مرگ می‌کرد

معنی: [سلطان جلال‌الدین] با آن شمشیر تیز گشوده خود، در میان انبوه مغولان، به نابودی و کشتن آنها مشغول بود.

تجزیه نحوی: آن شمشیر تیز عافیت سوز ← گروه متممی (= شمشیر) ← هسته / آن ← صفت اشاره / تیز ← صفت بیانی / عافیت سوز ← صفت فاعلی
مرگب مرخم

مفهوم: ← کشتن سربازان مغول

ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت دو چندان می شکفت و برگ می کرد

معنی: اما هر قدر که از سربازان مغولی را می کُشت، تعداد زیادی جای آن کُشته شدگان را می گرفتند و به تعداد سپاه مغولان افزوده می شد.

قلمرو ادبی: برگ ← استعاره از سربازان مغولی / شاخه ← استعاره از سپاه مغول / برگ، شاخه و می شکفت ← مراعات نظیر / برگ و مرگ ← جناس
ناهمسان / برگ از شاخه ریختن ← کنایه از کشتن و نابود کردن / برگ کردن ← کنایه از زیاد شدن سربازان مغولی
مفهوم: ← زیاد بودن (= انبوه) سربازان مغول

میان موج میرقصید در آب به رقص مرگ، اخترهای انبوه

معنی: تصویر ستاره‌های آسمان در میان امواج رود سِند به صورت رقص مرگ بود و با حرکت آب، ناپدید می‌شد.

مفهوم ← متلاطم بودن رودخانه و انعکاس تصویر ستارگان روی آب رودخانه سند.

توضیح: تصویر ستاره‌های آسمان، در آب منعکس می‌شد و بر اثر متلاطم بودن آب رود سند، تصویر ستارگان، محو و نابود می‌شد.

به رود سند می‌غلتید بر هم
ز امواج گران، کوه از پی کوه

معنی: موج‌های سنگین و خروشان رودِ سند مانند کوه‌های بزرگ، بر روی هم می‌غلتیدند و پی‌پی حرکت می‌کردند.

قلمرو ادبی: امواج گران مانند کوه هستند ← تشبیه / رودِ سند و امواج ← مراعات نظیر

مفهوم: ناآرام بودن و موج بودن رودِ سند

خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود دل شب می‌درید و پیش می‌رفت

معنی: رودِ سند، خروشان، عمیق، پهناور و پر از کف، در تاریکی شب به حرکتش ادامه می‌داد و جلو می‌رفت.

تلموزبانی: بیت از دو جمله تشکیل شده است. / خروشان، ژرف، بی‌پهنا و کف‌آلود ← قید / دل شب ← گروه مفعولی

از این سد روان، در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

معنی: هر موجی از رودخانهٔ سند همانند نیشی (= سوزنی) بود که در چشم جلال‌الدین فرو می‌رفت و به او رنج و آزار می‌رساند و مانع بزرگی برای او بود.

مفهوم ← رود سند مانع از جنگیدن و پیش‌روی جلال‌الدین بود.